

جان لای

# رساله‌ی دوم درباره‌ی دولت

نوشته‌ای پیرامون ریشه.

گستره و غایت راستین دولت مدنی

شهرام ارشدنژاد

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

۷۷۱ ..... مقدمه دوم، بهار ۱۳۷۱، شماره ۱

۱۸۱ ..... در اندیشه‌های ت. باقرزاده، بهار ۱۳۷۱، شماره ۱

۱۹۱ ..... در اندیشه‌های ت. باقرزاده، بهار ۱۳۷۱، شماره ۱

۵۶۱ ..... تبیین رویه‌ها، بهار ۱۳۷۱، شماره ۱

۵۰۲ ..... تبیین رویه‌ها، بهار ۱۳۷۱، شماره ۱

۶۱۲ ..... در اندیشه‌های ت. باقرزاده، بهار ۱۳۷۱، شماره ۱

۷۱۲ ..... در اندیشه‌های ت. باقرزاده، بهار ۱۳۷۱، شماره ۱

۵۲۲ ..... تبیین رویه‌ها، بهار ۱۳۷۱، شماره ۱

۷۲۲ ..... تبیین رویه‌ها، بهار ۱۳۷۱، شماره ۱

۷۲۲ ..... تبیین رویه‌ها، بهار ۱۳۷۱، شماره ۱

**فهرست**

۵ ..... مقدمه‌ی یکم

۱۲ ..... مقدمه‌ی دوم

۳۵ ..... مقدمه‌ی سوم

۵۷ ..... مقدمه‌ی چهارم

۶۹ ..... کتاب‌نامه‌ی گزیده‌ی

۶۹ ..... کارهای اساسی لاک

۷۳ ..... یادداشتی بر متن

۷۷ ..... فصل اول

۷۹ ..... فصل دوم، درباره‌ی حاکمیت طبیعت

۸۹ ..... فصل سوم، درباره‌ی وضعیت جنگی

۹۵ ..... فصل چهارم، درباره‌ی برده‌گی

۹۹ ..... فصل پنجم، درباره‌ی مالکیت

۱۱۷ ..... فصل ششم، درباره‌ی ولایت قهری پدر

۱۳۵ ..... فصل هفتم، درباره‌ی جامعه‌ی مدنی یا سیاسی

۱۴۹ ..... فصل هشتم، درباره‌ی پیدایش جوامع سیاسی

۱۷۱ ..... فصل نهم، درباره‌ی غایت جامعه‌ی سیاسی و دولت

فصل دهم، درباره‌ی آشکال یک جامعه‌ی همسود ..... ۱۷۷

فصل یازدهم، درباره‌ی محدودی قدرت قانون‌گذاری ..... ۱۸۱

فصل دوازدهم، درباره‌ی قدرت قانون‌گذاری ..... ۱۹۱

فصل سیزدهم، درباره‌ی تابعیت ..... ۱۹۵

فصل چهاردهم، درباره‌ی اختیار ویژه ..... ۲۰۵

فصل پانزدهم، بررسی همزمان ولایت پدری ..... ۲۱۳

فصل شانزدهم، درباره‌ی اشغال‌گری ..... ۲۱۷

فصل هفدهم، درباره‌ی غضب ..... ۲۳۵

فصل هژدهم، درباره‌ی جباریت ..... ۲۳۷

فصل نوزدهم، درباره‌ی انحلال دولت ..... ۲۴۷

مقدمه‌ی یکم

کتابی که پیش روی شماست یکی از متون کلاسیک و بسیار بانفوذ غربی در حوزه‌ی فلسفه‌ی اخلاق است. از جمله آثاری است که ردپای تاریخی اش را می‌توان مستقیم هم در انگلیس و هم در انقلاب امریکا، در قانون اساسی امریکا، انقلاب صنعتی بریتانیا و همه‌ی جوامع دموکراتیک غربی یافت. این اثر یکی از برآمدهای الهیات مسیحی پروتستان است. از دست‌آوردهای مهم آن شاخه‌ی مذهبی است و پایه و مایه‌ی لیبرالیسم است. جذابیت این اثر در فراهم ساختن توجیه دینی برای بحث مالکیت و در نهایت همه‌ی سنجه‌های لیبرالیسم بوده است. آنچه را امروزه از بدیهیات روزگار می‌شناسیم میوه‌ی نهالی است که او کاشت. به‌طور کلی باید گفت که لیبرالیسم چیزی جز توجیه عقلانی دین آن هم در پرتو جنبش اصلاح دینی دوسده جلوتر از لاک نبوده است. بحث‌های «حقوق فردی، آزادی فردی، مالکیت فردی، برابری، جامعه‌ی مدنی» و در نهایت «دولت» در مغرب زمین ریشه‌ی دینی دارند که همه از پرتو جنبش اصلاح دینی لوتری برخاسته‌اند. لاک توجیه دینی و شرعی به دست می‌دهد. این مهم است. این گزاره را که بعضی‌ها در ایران بکار می‌برند که «در غرب دین‌زدایی شده است»، من

نمی‌فهمم. تمدن غربی بر پایه‌ی سنت یهودی - مسیحی بنا شده است. غربی را که این آقایان معرفی می‌کنند با شناخت من از آن سازگار نیست.

لیبرالیسم را اگر به عنوان بزرگترین دست‌آورد غرب بشناسیم، محصول دین است، محصول مسیحیت است. همه‌ی این اندیشمندان اصلاح‌طلب مؤمنان سرسختی بوده‌اند. کوشش آنها بر اساس تجربه‌ی چند سده سلطه‌ی شرم‌آور کلیسای کاتولیک بوده است که حتا می‌شد قباله‌ی ورود به بهشت را به نقد خرید. اینها قباله با مَهر کلیسا در ازای پول به دست مردم می‌دادند. دین دکان در مفهوم راستین شده بود. و آن اندیشمندان اصلاح‌طلب در مقام نجات دین به پیشوایی و پیش قدمی مارتین لوتر، برخاستند. جان لاک از این بستر برخاسته است.

در این مقدمه من تنها از دشواری‌های ترجمه سخن می‌گویم و این نکته که ما در آستانه‌ی برپایی مطالعات تطبیقی هستیم، تنها اگر توانسته باشیم بخش بزرگی از آثار فکری و تمدن‌ساز غربی را به دقت و امانت ترجمه کرده باشیم. این البته «اگری» بسیار بزرگ است. سخن گفتن درباره‌ی جان لاک و اندیشمندان دیگر مغرب‌زمین را به خود منتقدان و ویراستاران آن دیار باید وانهاد. از این روی من سه مقدمه‌ی دیگر بر این کتاب افزوده‌ام که نوشته‌های فلسفه‌دانان و منتقدان معتبر لاک هستند.

این مایه‌ی گستاخی است که بنشینم و درباره‌ی آن بزرگان چیز بنویسم. که در واقع چیزی بیش از ترجمه و دست‌کاری خواننده‌های ما از آثار نویسندگان غربی نخواهد بود.

آشنایی اولیه‌ی من با این اثر به ده سال پیش بر سر درس مقدماتی فلسفه‌ی اخلاق باز می‌گردد که جان مرا شیفته‌ی فلسفه‌ی اخلاق ساخت.

هنگامی که کتابی با نام «درآمدی بر فلسفه‌ی اخلاق»<sup>۱</sup> را ترجمه کردم - که گویا تا اندازه‌ای نیز مورد اقبال قرار گرفت، جان لاک سلطه‌ی خویش را بر ذهن من تحمیل ساخت. سپس هنگامی که کار بر «قانون اساسی آمریکا»<sup>۲</sup> را آغاز کردم دریافتم بدون لاک شناخت قانون اساسی میسر نیست. پس نشستم و «دورساله»<sup>۳</sup> را خواندم و آثاری نیز درباره‌ی لاک و چند اثر کلاسیک دیگر از جمله «سیاست»<sup>۴</sup> ارستو را که برای شناخت قانون اساسی لازم بودند. دست‌آوردش مقدمه‌ای است که بر آن قانون نوشتم. خوانندگان را به آن مقدمه ارجاع می‌دهم. «رساله‌ی دوم» اهمیت کلیدی در فهم لیبرالیسم دارد، و کاملاً مستقل از «رساله‌ی نخست» است. دنباله‌ی رساله‌ی نخست نیست. بنابر قول «پیتر لسلت»<sup>۴</sup>، یکی از معتبرترین ویراستاران لاک، او رساله‌ی نخست را پس از رساله‌ی دوم نوشته است. و متوجه پاسخ‌گویی به آرای سر رابرت فیلمر<sup>۵</sup> مطلقگرا است که معتقد بود رعایا هیچ‌گونه حقی و آزادی‌ای ندارند. مشروعیت حکومت شاه از سوی خداوند نازل می‌شود و او وکالت از سوی خدا برای حکومت بر رعایا دارد. گویا آرای او مورد توجه قرار گرفته بود و در آن دوره بر دامنه‌ی نفوذش افزوده می‌شد. لاک در مقام درهم کوبیدن او رساله‌ی نخست را نوشت. در مقدمه و فصل نخست «رساله‌ی دوم» او به موضوع «رساله‌ی نخست» اشاره و آن را جمع‌بندی می‌کند. در غرب تأکید بر رساله‌ی دوم بوده است و از اهمیت آن در سه قرن

۱- «درآمدی بر فلسفه‌ی اخلاق»، شناسایی درست و نادرست، لویی پویمان، انتشارات گیل، تهران ۱۳۷۸

۲- «قانون اساسی آمریکا»، انتشارات گیل، تهران ۱۳۸۰

۳- منظور همین اثر و رساله‌ی نخست لاک بر دولت است.

۴- Peter Laslett استاد ترینیتی کالج کمبریج، وی مقاله‌ی انتقادی مفصلی بر دو رساله در چاپ دانشگاه کمبریج آورده است.